

عبارات کلیدی برای کنفرانس بین‌المللی
ممزوج کننده روز یادبود ۲۰۲۶

ما می‌توانیم با رسیدن به بالاترین قله مکاشفه الهی،
با زیستن زندگی یک خدا-انسان،
و توسط شرکت در خدمتگزاری آسمانی مسیح
جهت مراقبت از گله خدا بر طبق خدا،
وارد یک احیای جدید شویم که این عصر را پایان خواهد داد.
بالاترین قله مکاشفه الهی که توسط خدا به ما داده شده است،
مکاشفه اقتصاد جاودان خداست -
خدا انسان می‌شود و انسان خدا می‌شود.
ما باید با خدمتگزاری آسمانی مسیح همکاری کنیم
تا کلیسای خدا را به عنوان گله او شبانی نماییم
برای بناسازی بدن مسیح و یک احیای جدید.
برای شبانی بر طبق خدا،
باید با خدا یک شویم،
با خدا ساخته شویم، خدا را زیست کنیم، خدا را ابراز نماییم،
خدا را نمایندگی کرده، و خدا را بخش کنیم.

رئوس مطالب پیام‌ها
برای کنفرانس بین‌المللی ممزوج‌کننده روز یادبود
۲۵-۲۲ مه ۲۰۲۶

موضوع کلی:
نیاز شدید به یک احیای جدید

پیام یک

همکاری با خداوند برای ایجاد یک احیای جدید که به این عصر پایان خواهد داد

خواندن متون مقدس: حبقوق ۳: ۲؛ اعمال ۲۶: ۱۹، ۲۲؛

متی ۱۴: ۱۹، ۲۲-۲۳؛ فیلیپیان ۱: ۱۹-۲۲، ۲۵؛ یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷

۱. در بین برگزیدگان خدا همیشه آرزوی احیا شدن وجود داشته است - حبقوق ۳: ۲؛ هوشع ۶: ۲؛ رومیان ۸: ۲۲-۲۰؛ مزامیر ۱۱۹: ۲۵، ۵۰، ۱۰۷، ۱۵۴؛ یوحنا ۶: ۵۷، ۶۳؛ ۲ قرنتیان ۳: ۳، ۶.

۲. ما می‌توانیم با رسیدن به بالاترین قله مکاشفه الهی که توسط خدا به ما داده شده است - مکاشفه اقتصاد جاودان خدا (۱ تیموتائوس ۱: ۳-۴؛ ۱ قرنتیان ۹: ۱۷؛ اعمال ۲۶: ۱۹، ۲۲) - وارد یک احیای جدید شویم. این پاسخی بزرگ به سوال بزرگ در مورد مقصود خدا از آفرینش انسان و در رسیدگی او به مردم برگزیده‌اش است (پیدایش ۱: ۲۶؛ ایوب ۱۰: ۱۳؛ ر.ک. افسسیان ۳: ۹):

آ. راز پنهان در قلب خدا، اقتصاد جاودان خداست (۱: ۱۰؛ ۳: ۹؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۴)، که همان قصد جاودان خدا با خواست قلبی اوست تا خود را در تثلیث الهی خود به عنوان پدر در پسر توسط روح القدس در مردم برگزیده‌اش توزیع کند تا حیات و طبیعت آنها باشد و آنها به عنوان بازتولید او (رومیان ۸: ۲۹؛ ۱ یوحنا ۳: ۲) مثل او باشند تا به یک ارگانسیم، بدن مسیح به عنوان انسان نو (افسسیان ۲: ۱۵-۱۶)، برای پُری خدا، ابراز خدا (۱: ۲۲-۲۳؛ ۳: ۱۹)، که در اورشلیم نو تکمیل خواهد شد (مکاشفه ۲۱: ۲-۲۲؛ ۵) تبدیل شوند.

ب. تبدیل شدن خدا به انسان تا انسان در حیات و طبیعت، ولی نه در خدایی، خدا شود برای تولید و بناسازی بدن مسیح جهت تکمیل اورشلیم نو، جوهر کل کتاب مقدس، «الماس» در «جعبه» کتاب مقدس، اقتصاد جاودان خداست - پیدایش ۱: ۲۶؛ یوحنا ۱۲: ۲۴؛ رومیان ۸: ۲۹:

۱. خدا از طریق مجسم شدن با شرکت در انسانیت انسان، انسان شد؛ انسان در حیات و طبیعت، ولی نه در خدایی، از طریق دگرگونی توسط شرکت در الهیت خدا، خدا می‌شود - یوحنا ۱: ۱۴؛ ۲ قرنتیان ۳: ۱۸؛ کولسیان ۳: ۴؛ ۲ پطرس ۱: ۴؛ فیلیپیان ۲: ۵؛ رومیان ۸: ۲۹؛ عبرانیان ۲: ۱۰؛ افسسیان ۱: ۵؛ رومیان ۸: ۱۹؛ ۱ یوحنا ۳: ۲؛ یوحنا ۱: ۱۲-۱۳.

۲. این عاشقانه الهی-انسانی، موضوع کل کتاب مقدس، محتوای اقتصاد خدا، و راز کل عالم است - غزل غزلها ۱: ۱؛ ۶: ۱۳؛ ر.ک. حبقوق ۱: ۱؛ ۲: ۴؛ رومیان ۱: ۱۷:

(آ) مسیح، الهی و انسانی است، و معشوق دگرگون‌شده‌اش، انسانی و الهی است؛ آنها در حیات و طبیعت یکسان هستند و کاملاً با یکدیگر مطابقت دارند.

(ب) خدای سه‌یکتا که به عنوان شوهر تکمیل و انسان سه بخشی که به عنوان عروس دگرگون می‌شود، قرار است یک زوج، یک خدا-انسان بزرگ جمعی باشند - مکاشفه ۲۱: ۲، ۹؛ ۲۲: ۱۷. آ.

پ. مکاشفه مرکزی خدا و بازیابی خداوند، تبدیل شدن خدا به جسم (یوحنا ۱: ۱، ۱۴)، تبدیل شدن جسم به روح حیات بخش (۱ قرنتیان ۱۵: ۴۵) و تبدیل شدن روح حیات بخش به روح هفت برابر شدت یافته (مکاشفه ۱: ۴؛ ۳: ۱؛ ۴: ۵؛ ۵: ۶) برای بناسازی کلیساست (متی ۱۶: ۱۸) که به بدن مسیح تبدیل می‌شود (افسسیان ۴: ۱۵-۱۶) و اورشلیم نو را تکمیل می‌کند (مکاشفه ۲۱: ۲، ۹؛ ۲۲: ۱۷؛ ر.ک. پیدایش ۲: ۲۲؛ یوحنا ۱۹: ۳۴).

ت. خدا و انسان یک موجودیت خواهند شد، و آن یک موجودیت، آمیختن الهیت با انسانیت است، که در اورشلیم نو به عنوان پایان کل کتاب مقدس تکمیل خواهد شد - مکاشفه ۲۱: ۳، ۲۲، ۲، ۹؛ ر.ک. لاویان ۲: ۴-۵؛ مزامیر ۹۲: ۱۰.

ث. «امیدوارم که مقدسان در تمام کلیساهای سراسر زمین، به ویژه همکاران و ارشدان، این مکاشفه را ببینند و سپس برخاسته و دعا کنند که خداوند به ما احیای جدیدی عطا کند - احیایی که هرگز در تاریخ ثبت نشده است» - مطالعه حیات ۱ و ۲ تواریخ، ص. ۱۵.

۳. اگر ما زیستن زندگی یک خدا-انسان را که واقعیت بدن مسیح است، به عمل بگذاریم، خود به خود یک نمونه جمعی بناسازی خواهد شد، نمونه ای که در اقتصاد خدا زندگی می‌کند. این نمونه، بزرگترین احیای تاریخ کلیسا برای بازگرداندن خداوند خواهد بود - مزامیر ۴۸: ۲ و زیرنویس ۱؛ مکاشفه ۳: ۱۲، ۲۱:

آ. خدا به مردمی جمعی نیاز دارد که به فیض او از طریق قلّه بلند مکاشفه الهی برانگیخته شوند تا طبق این مکاشفه زندگی کنند؛ احیاء، به عمل گذاشتن، عملی بودن بینشی است که دیده‌ایم.

ب. پیروان مسیح (متی ۵: ۱؛ ۲۸: ۱۹) از طریق زندگی انسانی مسیح بر زمین، به عنوان نمونه یک خدا-انسان، زیستن خدا توسط انکار خود در انسانیت (یوحنا ۵: ۱۹، ۳۰)، شاگرد شده، نظرشان در مورد انسان مقلوب شد (فیلیپیان ۳: ۱۰؛ ۱: ۲۱).

پ. زندگی ما باید نمونه، بازتولیدی از نمونه زندگی مسیح، اولین خدا-انسان باشد - ۱ پطرس ۲: ۲۱؛ متی ۱۱: ۲۸-۲۹؛ افسسیان ۴: ۲۰-۲۱؛ یوحنا ۱۷: ۴؛ ۵: ۱۷؛ فیلیمون ۱: ۱۹-۲۲، ۲۵.

ت. روح حیات و واقعیت که در شاگردان دمیده شد، آنها را به تمام واقعیت آنچه که از خداوند هنگام سه سال و نیم بودن با او مشاهده کرده بودند هدایت کرد - یوحنا ۱۶: ۱۳؛ ۲۰: ۲۲:

۱. در آغاز خدمتگزاری اولین خدا-انسان، او تعمیم یافت تا تمام عدالت را به کمال رساند، و تشخیص داد که بر طبق جسم خود (انسانیتش - ۱: ۱۴؛ رومیان ۱: ۳؛ ۸: ۳)، او جز برای مرگ و دفن شدن، برای چیز دیگری خوب نیست (متی ۳: ۱۵-۱۷).

۲. او شاگردانش را آموزش داد تا در معجزه غذا دادن به پنج هزار نفر با پنج قرص نان و دو ماهی از او بیاموزند (۱۱: ۲۹)؛ برای برکت دادن به پنج قرص نان و دو ماهی «به سوی آسمان نگریست» (۱۴: ۱۹) نشانگر درک او از این است که منشا برکت، او، [یعنی] آن فرستاده شده، نیست، بلکه پدر، آن فرستنده است (یوحنا ۱۰: ۳۰؛ ۵: ۱۹، ۳۰؛ ۷: ۶، ۸، ۱۸).

۳. خداوند در حاصل معجزه با جمعیت نماوند، بلکه از آنها دور شد تا با پدر به طور خصوصی بر کوه در دعا باشد - متی ۱۴: ۲۲-۲۳؛ لوقا ۶: ۱۲.

۴. خداوند زندگی‌ای سرشار از تماس با خدا (مرقس ۱: ۳۵؛ لوقا ۵: ۱۶؛ ۶: ۱۲؛ ۹: ۲۸؛ عبرانیان ۷: ۲۵)، بی‌وقفه در حضور خدا زیستن (اعمال ۱۰: ۳۸؛ یوحنا ۸: ۲۹؛ ۱۶: ۳۲) داشت، و در تماس با مردم بوده، خدا را به درونشان برای آوردن آنها به یوبیل اقتصاد عهد جدید خدا (لوقا ۴: ۱۸-۱۹؛ عبرانیان ۲: ۸؛ ر.ک. پیدایش ۱۸: ۱۴؛ اعمال ۴: ۶) بخش می‌کرد.

۵. او انسانی بود که شیطان، حاکم دنیا، در او هیچ چیز (هیچ زمینه‌ای، هیچ شانس، هیچ امیدی، هیچ امکانی در هیچ چیز) نداشت - یوحنا ۱۴: ۳۰؛ ر.ک. آ. ۲۰: ۲ قرنتیان ۱۲: ۲؛ کولسیان ۱: ۲۷؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۲۲؛ یوحنا ۳: ۶؛ ۴: ۲۳-۲۴؛ ۱ یوحنا ۵: ۴، ۱۸.

ث. تنها راه برای زیستن زندگی یک خدا-انسان طبق نمونه خداوند، قرار دادن تمام وجودمان، گام برداشتن، زیستن و وجود داشتن بر طبق روح آمیخته است - رومیان ۸: ۲، ۴، ۱۰، ۶، ۱۱، ۱۶؛ ۱ قرنتیان ۶: ۱۷؛ رومیان ۱۰: ۱۲؛ غلاطیان ۵: ۲۵؛ افسسیان ۶: ۱۷-۱۸؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۱۶-۲۰؛ ۱ تیموتائوس ۴: ۶-۷؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۶-۷.

ج. «ما همه باید اعلام کنیم که می‌خواهیم زندگی یک خدا-انسان را زیست کنیم. عاقبت، خدا-انسان‌ها پیروزمندان، غلبه کنندگان، صهیون در اورشلیم خواهند بود. این امر احیای جدیدی را خواهد آورد

که هرگز در تاریخ دیده نشده است، و این امر به این عصر پایان خواهد داد.» - مطالعه حیات
۱ و ۲ تواریخ، ص. ۲۸.

۴. ما می‌توانیم با شرکت در خدمتگزاری آسمانی مسیح برای تغذیه بره‌های او و شبانی گوسفندان
او جهت مراقبت از گله خدا، که کلیساست که به بدن مسیح منجر می‌شود، وارد یک احیای
جدید شویم. این پیوسته شدن خدمتگزاری رسالت با خدمتگزاری آسمانی مسیح است - یوحنا
۲۱: ۱۷-۱۵؛ ۱ پطرس ۲: ۲۵؛ ۱: ۵؛ ۴-۱؛ عبرانیان ۱۳: ۲۰-۲۱؛ مکاشفه ۱: ۱۲-۱۳:

آ. ما باید مردم را طبق الگوی خداوند عیسی در خدمتگزاری او برای انجام اقتصاد جاودان خدا،
شبانی کنیم - متی ۹: ۳۶؛ یوحنا ۱۰: ۱۱؛ عبرانیان ۱۳: ۲۰؛ ۱ پطرس ۵: ۴:

۱. محتوای کل اقتصاد عهد جدید خدا در نجات کامل او، مسیح به عنوان پسر انسان است که
با بازخرید ما از گناه، ما را گرمی داشته، بازخرید قضایی خود را از طریق مرگش به انجام
می‌رساند (۱ تیموتائوس ۱: ۱۵؛ افسسیان ۱: ۷)، و مسیح به عنوان پسر خدا ما را تغذیه
می‌کند تا حیات الهی را به وفور در ما افافه کرده، نجات ارگانیک خود را در رستاخیزش انجام
دهد (یوحنا ۱۰: ۱۰؛ ۱: ۱۰؛ ۱۵: ۴۵؛ افسسیان ۵: ۲۹).

۲. نداشتن قلب پرمهر و بخشنده پدر و روح شبانی و جویای منجی، دلیل بی‌ثمری ماست - لوقا
۱۵: ۲۴-۱.

۳. ما باید مردم را در انسانیت عیسی (متی ۹: ۱۰؛ لوقا ۷: ۳۴) گرمی بداریم (آنها را شاد کنیم و
به آنها احساس خوشایند و راحتی دهیم). ما باید مردم را در الهیت مسیح (متی ۲۴: ۴۵-۴۷)
تغذیه کنیم (آنها را با مسیح شامل تمام در خدمتگزاری سه مرحله‌ای او تغذیه کنیم).

۴. مسیح مجبور شد از سامره عبور کند، از قصد به سمت سوخار تغییر جهت دهد تا یک زن
غیراخلاقی را به دست آورده، با درخواست از او برای یک آشامیدنی جهت تغذیه او [زن] با خدای
سه یکتای جاری به عنوان نهر آب حیات، او را گرمی دارد - یوحنا ۴: ۳-۱۴؛ مکاشفه ۲: ۱.

۵. او به عنوان آن بی‌گناه، زن زناکار را محکوم نکرد، بلکه او را به خاطر بخشش گناهانش از
نظر قضایی و رهایی از گناهانش از نظر ارگانیک گرمی داشت (یوحنا ۸: ۱-۱۱، ۳۲، ۳۶)؛
همچنین قابل توجه است که اولین کسی که توسط مسیح از طریق مصلوب شدنش نجات
یافت، دزدی بود محکوم به اعدام (لوقا ۲۳: ۴۲-۴۳).

۶. خداوند فقط برای دیدار و کسب یک نفر، یک رئیس باجگیران، به اریحا رفت و بشارت او
یک شبانی بود (۱۹: ۱-۱۰)؛ او همچنین والدین را با گذاشتن دست‌هایش بر روی فرزندانشان
گرمی داشت (متی ۱۹: ۱۳-۱۵).

ب. ما باید مردم را طبق الگوی پولس رسول، که مقدسان را به عنوان یک مادر پرستار و یک پدر
نصیحت‌کننده شبانی می‌کرد تا از گله خدا مراقبت کنند، شبانی کنیم - ۱ تسالونیکیان ۲: ۷-۸، ۱۱-۱۲؛
۱ تیموتائوس ۱: ۱۶؛ اعمال ۲۰: ۲۸:

۱. پولس مقدسان را در افسس با تعلیم آنها «آشکارا و خانه به خانه» (آ. ۲۰) و با نصیحت هر
یک از مقدسان با اشک به مدت سه سال (آ. ۳۱، ۱۹) شبانی کرده، تمامی اراده خدا را به
آنها اعلام نمود (آ. ۲۷).

۲. پولس یک نگرانی صمیمانه برای ایمانداران داشت (۲ قرنیتیان ۷: ۲-۷؛ فیلیمون ۷، ۱۲)، و
به سطح ضعیفان پایین آمد تا بتواند آنها را به دست آورد (۲ قرنیتیان ۱۱: ۲۸-۲۹؛ ۲ قرنیتیان
۹: ۲۲؛ ر.ک. متی ۱۲: ۲۰).

۳. او حاضر بود آنچه را که داشت، یعنی دارایی‌هایش، و آنچه را که بود، یعنی وجودش، برای
مقدسان خرج کند (۲ قرنیتیان ۱۲: ۱۵)؛ او یک هدیه ریختنی بود، یک با مسیح به عنوان
تولیدکننده شراب، و خود را فدای مسرت دیگران از مسیح کرد (فیلیپیان ۲: ۱۷؛ داوران ۹: ۱۳؛
افسسیان ۳: ۲).

۴. پولس توسط روح برای تکریم خدا گام برداشت تا بتواند روح را برای تکریم انسان بخش کند -
۲ قرننتیان ۳: ۳، ۶، ۸؛ غلاطیان ۵: ۱۶، ۲۵؛ داوران ۹: ۹.
۵. پولس در تعلیم خود اشاره کرد که کلیسا خانه‌ای برای پرورش مردم، بیمارستانی برای شفا و بازیابی آنها، و مدرسه‌ای برای آموزش و تربیت آنهاست - افسسیان ۲: ۱۹؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۱۴؛ ۱ قرننتیان ۱۴: ۳۱.
۶. او آشکار کرد که عشق عالی‌ترین راه برای ماست تا چیزی باشیم و کاری برای بناسازی بدن مسیح انجام دهیم - ۸: ۱؛ ۱۲: ۳۱؛ ۱۳: ۴-۸؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۳: ۱۷؛ ۴: ۲، ۱۵-۱۶؛ ۵: ۲؛ ۶: ۲۴؛ مکاشفه ۲: ۴-۵؛ کولسیان ۱: ۱؛ ۸: ۱؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۳.
- پ. «امیدوارم با پذیرفتن این بار قلبی شبانی، یک احیای اصیل در بین ما ایجاد شود. اگر همه کلیساها این تعلیم را دریافت کنند که در شبانی شگفت‌انگیز مسیح شرکت نمایند، احیای بزرگی در بازیابی خواهد بود» - مجموعه آثار ویتنس لی .

رسیدن به بالاترین قله مکاشفه الهی

خواندن متون مقدس: ۱ تیموتائوس ۱: ۴؛ افسسیان ۱: ۱۰؛ ۳: ۹؛ رومیان ۱: ۳-۴

۱. بالاترین قله مکاشفه الهی که توسط خدا به ما داده شده است، مکاشفه «اقتصاد جاودان خدا» است - خدا انسان شد تا انسان در حیات و در طبیعت، اما نه در خدایی، خدا شود:

آ. تمام کتاب مقدس، که توضیح اقتصاد جاودان خداست، زندگینامه خدای سه یکتاست که در دو بخش ابدیت و بر پل زمان دیده می‌شود:

۱. خدای سه یکتا از ابدیت به زمان آمد و با الهیت خود وارد انسانیت شد تا برای حرکت مستقیم خود در انسان، که در چهار انجیل دیده می‌شود، برای به انجام رساندن بازخرید قضایی خود، خدای مجسم شود - یوحنا ۱: ۴، ۲۹.

۲. در رستاخیز، او برای انجام نجات ارگانیک خود، خدای مرکب، خدای «فرآیندشده»، روح حیات بخش شامل تمام شد که در اعمال و رساله‌ها دیده می‌شود - آ.آ. ۳۲، ۴۲؛ ۱ قرن‌تیاں ۱۵: ۱؛ ۴۵ب؛ فیلیپیان. ۱: ۱۹.

۳. در ابدیت آینده، او خدای جمعی، اورشلیم نو، خواهد بود که در مکاشفه ۲۱ و ۲۲ دیده می‌شود.

۴. پیوستگی الهی-انسانی عالمی خدای سه یکتای فرآیند و تکمیل شده با ایمانداران تولد تازه یافته، دگرگون شده و جلال یافته، هدف اقتصاد جاودان خداست - یوحنا ۱: ۵۱؛ مکاشفه ۲۱: ۳، ۲۲.

۵. مکاشفه مرکزی خدا و بازیابی خداوند، تبدیل شدن خدا به جسم، تبدیل شدن جسم به روح حیات بخش، و تبدیل شدن روح حیات بخش به روح هفت برابر شدت یافته برای بناسازی کلیساست که بدن مسیح می‌شود و اورشلیم نو را تکمیل می‌کند.

ب. اینکه خدا انسان شد تا انسان بتواند در حیات و در طبیعت، اما نه در خدایی، خدا شود، جوهر کل کتاب مقدس، «الماس» در «جعبه» کتاب مقدس، اقتصاد جاودان خداست - پیدایش ۱: ۲۶؛ یوحنا ۱۲: ۲۴؛ رومیان ۸: ۲۹:

۱. خدا از طریق مجسم شدن با شرکت در انسانیت انسان، انسان شد؛ انسان از طریق دگرگونی با شرکت در الهیت خدا، خدا می‌شود:

(آ) شرکت در حیات خدا - یوحنا ۳: ۱۵؛ کولسیان ۳: ۴.

(ب) شرکت در طبیعت خدا - افسسیان ۱: ۴؛ ۲ پطرس ۱: ۴.

(پ) شرکت در ذهن خدا - افسسیان ۴: ۲۳؛ فیلیپیان ۲: ۵.

(ت) شرکت در وجود خدا - ۲ قرن‌تیاں ۳: ۱۸ب؛ افسسیان ۳: ۸.

(ث) شرکت در صورت خدا - ۲ قرن‌تیاں ۳: ۱۸آ؛ رومیان ۸: ۲۹.

(ج) شرکت در جلال خدا - آ. ۳۰؛ عبرانیان ۲: ۱۰.

(چ) شرکت در مقام پسری خدا - افسسیان ۱: ۵؛ رومیان ۸: ۲۳.

(ح) شرکت در اظهار خدا - آ. ۱۹.

(خ) داشتن شباهت خدا - ۱ یوحنا ۳: ۲.

(د) خداگونه بودن - گونه خدا - یوحنا ۱: ۱۲؛ رومیان ۸: ۱۴، ۱۶.

۲. این عاشقانه الهی-انسانی، موضوع کل کتاب مقدس، محتوای اقتصاد خدا، و رمز کل عالم است - غزل غزلها ۱: ۱؛ ۶: ۱۳.

۲. قله بلند مکاشفه الهی - «الماس» در «جعبه» کتاب مقدس - این مکاشفه است که خدا در مسیح انسان شده است تا انسان در حیات و طبیعت، اما نه در خدایی، خدا شود - ۲ سموئیل ۷: ۱۲-۱۴؛ رومیان ۱: ۳-۴؛ افسسیان ۳: ۱۷آ:

- آ. «انسان شدن خدا و خدا شدن انسان» اقتصاد خداست - ۱ تیموتائوس ۱: ۴.
- ب. اقتصاد جاودان خدا این است که انسان را در حیات و طبیعت، اما نه در خدایی، مثل خود سازد و خود را با انسان و انسان را با خود یک کند، از این رو در ابرازش بزرگ شود و گسترش یابد، تا تمام صفات الهی او در فضایل انسانی ابراز شود - افسسیان ۳: ۹؛ ۱: ۱۰:
۱. خشنودی خدا در این است که با انسان یک شود و انسان را در حیات و طبیعت، اما نه در خدایی، مثل خود کند - آ. ۵، ۹.
۲. خدا انسان شد تا تکثیر انبوهی از خود داشته باشد و از این طریق نوع جدیدی - نوع خدا-انسان - تولید کند - یوحنا ۱: ۱، ۱۴؛ ۱۲: ۲۴.
- پ. برای برآورده شدن اقتصاد خدا، ما به خدا نیاز داریم که خود را در مسیح به عنوان حیات، طبیعت و ساختار ما در ما بنا کند تا ما را در حیات و طبیعت، اما نه در خدایی، خدا سازد - افسسیان ۳: ۱۷؛ کولسیان ۳: ۴، ۱۰-۱۱.
- ت. خدا از طریق مجسم شدن انسان شد؛ انسان از طریق تولد تازه، تقدیس، نو شدن، دگرگونی، همشکل شدن، و جلال، خدا می‌شود - یوحنا ۳: ۵-۶؛ ۱: ۱۲-۱۳؛ رومیان ۶: ۱۹، ۲۲؛ ۱۲: ۲؛ ۸: ۲۹-۳۰.

۳. تنها با انسان شدن خدا برای خدا ساختن انسان است که بدن مسیح می‌تواند تولید شود؛ این نقطه، قله بلند بینشی است که خدا به ما داده است - آ. ۳؛ ۱: ۳-۴؛ ۸: ۱۴؛ ۱۲: ۴-۵:

- آ. خدا انسان شد تا انسان را خدا کند که بتواند بدن مسیح را تولید نماید - ارگانیسم خدای سه‌یکتا، که اظهار نهایی آن، اورشلیم نو است - افسسیان ۱: ۲۲-۲۳؛ ۴: ۴-۶؛ مکاشفه ۲۱: ۲، ۹-۱۰.
- ب. کتاب مقدس به ما نشان می‌دهد که چگونه انسان می‌تواند خدا شود تا یک زندگی خدا-انسان داشته باشد و از این رو به یک ارگانیسم خدا تبدیل شود - رومیان ۱: ۳-۴؛ ۱۲: ۴-۵:
۱. این ارگانیسم، خداست که خود را با انسان پیوند می‌دهد و می‌آمیزد تا انسان را خدا سازد.
۲. حاصل انسان شدن خدا و خدا شدن انسان، یک ارگانیسم است؛ این ارگانیسم، بدن مسیح است - اتحاد و آمیختن خدا با انسان - افسسیان ۴: ۴-۶، ۱۲.
- پ. خدا پسر خود را فرستاد تا انسان باشد و با حیات الهی، زندگی یک خدا-انسان را زیست کند؛ چنین زیستی منجر به یک انسان عالمی می‌شود که دقیقاً مثل خود اوست - یک انسان جمعی که با حیات الهی، زندگی یک خدا-انسان را زیست می‌کند - رومیان ۸: ۳؛ ۱۲: ۴-۵.
- ت. واقعیت بدن مسیح، اتحاد و آمیختن خدا با انسان جهت زیستن یک خدا-انسان جمعی است - افسسیان ۴: ۴-۶، ۲۴.

زندگی خدا-انسان برای احيای جدید

خواندن متون مقدس: لاویان ۱: ۳، ۹؛ ۶: ۸-۱۳؛ یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷؛

۱ یوحنا ۳: ۱۴؛ ۵: ۱؛ ۲: ۶؛ ۴: ۱۷؛ غلاطیان ۶: ۲-۳؛ رومیان ۸: ۲

۱. خواست قلب خدا این است که «راستی [واقعیت] در عیسی» (افسیسیان ۴: ۲۱)، وضع واقعی زندگی خدا-انسان عیسی همانطور که در چهار انجیل ثبت شده است، توسط روح واقعیت در بسیاری از اعضای بدن مسیح تکثیر شود تا به واقعیت بدن مسیح، بالاترین قله در اقتصاد خدا، برای احيای جدید تبدیل شود (آ. ۲۰-۲۴):

آ. چهار انجیل نشان دهندة الگوی زندگی مورد نظر خدا، قالب زندگی‌ای که می‌تواند خدا را راضی کرده و مقصود او را برآورده کند هستند. عیسی زندگی‌ای را زیست که در آن همه چیز را در خدا، با خدا، و برای خدا انجام می‌داد؛ خدا در زیستن او بود و او با خدا یک بود؛ این معنای «راستی [واقعیت] در عیسی» است؛ آموختن مسیح به عنوان واقعیت در عیسی، قالب‌گرفته شدن در الگوی مسیح و همشکل شدن به صورت مسیح است - رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ افسسیان ۴: ۲۰-۲۱.

ب. ما در حال به کمال رسیدن توسط خداوند هستیم تا خدا-انسانها باشیم و با انکار حیات طبیعی خود طبق نمونه مسیح به عنوان اولین خدا-انسان، زندگی الهی را زیست کنیم - متی ۱۱: ۲۹؛ ۱۷: ۵؛ پطرس ۲: ۲۱:

۱. او در زندگی خود بر زمین، الگویی برپا کرد، همانطور که در چهار انجیل آشکار شده است. سپس او مصلوب شد و رستاخیز کرد تا روح حیات بخش شود که بتواند وارد ما شده و حیات ما باشد. ما طبق سرمشق او، نه با حیات طبیعی خود، بلکه با او به عنوان حیاطمان در رستاخیز، از او می‌آموزیم - ۱ قرن‌تیاں ۱۵: ۴۵؛ کولسیان ۳: ۴.

۲. زندگی مسیحی ما، زندگی در مسیح و همچنین زندگی مسیح در ماست؛ ما در مسیح به عنوان قالب هستیم و او در ما به عنوان زندگی ما؛ به این ترتیب ما مسیح را به عنوان واقعیتی که در عیسی است، می‌آموزیم؛ این واقعیت، واقعیت بدن مسیح است - ۱ قرن‌تیاں ۱: ۳۰؛ ۲ قرن‌تیاں ۵: ۱۷؛ ۱۲: ۱۲؛ کولسیان ۱: ۲۷؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ رومیان ۸: ۱۰.

پ. همانطور که عاشق خداوند هستیم، با او تماس می‌گیریم، و به او دعا می‌کنیم، به طور خودکار او را مطابق با قالب، شکل و الگویی که در انجیلها توصیف شده است، زیست می‌کنیم. به این ترتیب ما به صورت این قالب شکل می‌گیریم، همشکل می‌شویم - این معنای آموختن مسیح است - متی ۱۱: ۲۹؛ رومیان ۸: ۲۹.

ت. وقتی در روح آمیخته زندگی می‌کنیم، مسیح را طبق واقعیت در عیسی و توسط روح واقعیت می‌آموزیم. ما از او به عنوان نمونه خود یاد می‌گیریم تا زندگی‌نامه او به تاریخ ما تبدیل شود. زیستن بدن مسیح به عنوان انسان نو باید دقیقاً همان زیستن عیسی باشد که در انجیلها آشکار شده است - غلاطیان ۶: ۱۷-۱۸؛ رومیان ۱: ۱، ۹؛ افسسیان ۴: ۲۰-۲۴؛ فیلیپیان ۲: ۵؛ متی ۱۱: ۲۹؛ پطرس ۲: ۲۱.

ث. مقصود خدا از فرستادن خداوند عیسی به عنوان یک انسان این بود که او زندگی خدا-انسان را توسط حیات الهی داشته باشد. وقتی او را می‌خوریم، به او زندگی می‌کنیم تا یک انسان بزرگ عالمی شویم که دقیقاً مثل اوست - انسانی که زندگی خدا-انسان را توسط زندگی الهی دارد - مراثی ۳: ۲۲-۲۴، ۵۵-۵۶؛ مکاشفه ۲: ۴، ۷؛ یوحنا ۶: ۵۷، ۶۳؛ ارمیا ۱۵: ۱۶؛ افسسیان ۶: ۱۷-۱۸؛ مزامیر ۱۱۹: ۱۵.

۲. تنها زندگی‌ای که مورد خشنودی خداست، زندگی‌ای است که تکرار زندگی مسیح بر زمین باشد. این زندگی‌ای است که مسیح را در تجربیات او به عنوان قربانی سوختنی تجربه می‌کند - لاویان ۱: ۹؛ یوحنا ۸: ۲۹؛ ۲ قرن‌تیاں ۵: ۹:

آ. قربانی سوختنی، نماد مسیح در زندگی‌اش که به طور مطلق برای خدا و برای رضایت خداست را نشان می‌دهد. قربانی سوختنی همچنین نماد مسیح است که آن حیاتی است که مردم خدا را قادر به داشتن چنین زیستنی می‌سازد - لاویان ۱: ۳؛ اعداد ۲۸: ۲-۳؛ یوحنا ۵: ۳۰؛ ۶: ۳۸؛ ۸: ۲۹؛ عبرانیان ۱۰: ۵-۱۰.

ب. کلمه ترجمه شده «قربانی سوختنی» به چیزی اشاره دارد که در حال صعود است؛ این صعود به مسیح اشاره دارد (لاویان ۱: ۳، ۱۰، ۱۴)؛ تنها چیزی که می‌تواند از زمین به سوی خدا صعود کند، زندگی مسیح است، زیرا او آن شخص منحصر به فرد است که یک زندگی به طور مطلق برای خدا داشت (یوحنا ۶: ۳۸).

پ. قربانی سوختنی «عطر [رایحه] خوشبو به جهت خداوند» بود (لاویان ۱: ۹)؛ کلمات عبری ترجمه شده «عطر خوشبو» به طور تحت الفظی به معنای «رایحه استراحت یا رضایت» است. رایحه رضایت‌بخش، رایحه‌ای است که رضایت، آرامش و استراحت می‌آورد. چنین رایحه رضایت‌بخشی، مسرتی برای خداست.

ت. حیات مسیح در درون ما، واقعیت قربانی سوختنی است - این حیات، حیات اطاعت، حیات تسلیم و حیات کاملاً وابسته به خدا بر طبق اصل درخت حیات است - فیلیپیان ۲: ۸؛ یوحنا ۵: ۱۹، ۳۰؛ عبرانیان ۵: ۸؛ عبرانیان ۱۰: ۷.

۱. عمل انسان به تنهایی و مستقل، جدا و خارج از خدا، گناه است. خدا می‌خواهد ما در همه چیز طبق دستورالعمل‌های او عمل کنیم - مزامیر ۴۰: ۷-۸؛ ۱ یوحنا ۳: ۴.

۲. «هر آینه به شما می‌گویم هر که ملکوت خدا را مثل طفل نپذیرد، داخل آن نگردد» (لوقا ۱۷: ۱۸)؛ خدا می‌خواهد ما همیشه مثل یک کودک باشیم زیرا او می‌خواهد ما همیشه به او وابسته باشیم. اعتماد به نفس، دشمن وابستگی به خداست.

ث. با گذاشتن دست‌هایمان بر مسیح به عنوان قربانی سوختنی از طریق دعای مناسب، ما به او می‌پیوندیم، و او و ما یک می‌شویم؛ همانطور که مسیح در ما زندگی می‌کند، او زندگی‌ای را که بر روی زمین داشت، زندگی قربانی سوختنی، در ما تکرار می‌کند - آ. ۴؛ ۱ قرنتیان ۶: ۱۷؛ غلاطیان ۲: ۲۰.

ج. در چنین اتحاد، چنین شناسایی، تمام ضعف‌ها، نقص‌ها و خطاهای ما توسط او برگرفته می‌شود - ۲ قرنتیان ۵: ۲۱؛ غلاطیان ۲: ۲۰.

چ. ما باید به خداوند اجازه دهیم که ما را بسوزاند تا بتوانیم قربانی سوختنی مداومی برای سوزاندن دیگران باشیم و به خاکستر تبدیل شویم تا اورشلیم نو برای ابراز خدا شویم - مزامیر ۲۰: ۳؛ لاویان ۱: ۱۶؛ ۶: ۸-۱۳؛ ۱ قرنتیان ۳: ۱۲؛ مکاشفه ۳: ۱۲؛ ۲: ۲۱؛ ۱۰-۱۱، ۱۸-۲۱.

۱. خاکستر نشانگر مسیح است که به هیچ تبدیل شد؛ از آنجایی که ما با مسیح که به خاکستر تبدیل شده است یک هستیم، ما نیز به خاکستر تبدیل می‌شویم، یعنی به هیچ، به صفر تبدیل می‌شویم - مرقس ۹: ۱۲؛ اشعیا ۵۳: ۳؛ ۱ قرنتیان ۱: ۲۸؛ ۲ قرنتیان ۱۲: ۱۱.

۲. هرچه بیشتر در مرگ مسیح با او شناسایی شویم، بیشتر متوجه خواهیم شد که به توده‌ای از خاکستر تبدیل شده‌ایم؛ وقتی خاکستر می‌شویم، دیگر یک فرد طبیعی نیستیم؛ در عوض، فردی هستیم که مصلوب شده، خاتمه یافته و سوزانده شده است - غلاطیان ۲: ۲۰.

ح. قرار دادن خاکستر در سمت شرقی مذبح، سمت طلوع خورشید، اشاره‌ای به رستاخیز است - لاویان ۱: ۱۶؛ یوحنا ۱۱: ۲۵؛ فیلیپیان ۳: ۱۰-۱۱؛ ۲ قرنتیان ۱: ۹.

۱. با مسیح به عنوان قربانی سوختنی، خاکستر، پایان نیست - آن آغاز است؛ خاکستر به این معناست که مسیح کشته شده است، ولی شرق به معنای رستاخیز است - مرقس ۹: ۳۱.

۲. هرچه بیشتر در مسیح به خاکستر تبدیل شویم، بیشتر به سمت شرق قرار خواهیم گرفت، و در شرق این اطمینان را خواهیم داشت که خورشید طلوع خواهد کرد و طلوع خورشید رستاخیز را تجربه خواهیم کرد - فیلیپیان ۳: ۱۰-۱۱.

خ. در نهایت، خاکستر به اورشلیم نو تبدیل خواهد شد - مکاشفه ۳: ۱۲؛ ۲: ۲۱؛ ۱۰-۱۱:

۱. مرگ مسیح ما را به پایان می‌رساند، ما را به خاکستر تبدیل می‌کند، و در رستاخیز، خاکستر به موادی نفیس برای بنای خدا تبدیل می‌شود - ۱ قرن‌تیاں ۳: ۹، ب، ۱۲. آ.
۲. وقتی چون خاکستر کاسته می‌شویم، به دگرگونی خدای سه‌یکتا وارد می‌شویم تا به موادی نفیس برای بنای اورشلیم نو تبدیل شویم - رومیان ۱۲: ۱-۲؛ ۲ قرن‌تیاں ۳: ۱۸؛ مکاشفه ۲۱: ۲۱-۱۸.

۳. در انجام خدمتگزاری عهد جدید خدا، خداوند عیسی، به عنوان واقعیت قربانی سوختنی، هیچ کاری از خود انجام نداد (یوحنا ۵: ۱۹)، او کار خود را انجام نداد (۴: ۳۴؛ ۱۷: ۴)، او کلام خود را نگفت (۱۴: ۱۰، ۲۴)، او هیچ چیز را به خواست خود انجام نداد (۵: ۳۰)، و او جویای جلال خود نبود (۷: ۱۸)؛ او هرگز ناامید نشد زیرا فقط از خدا راضی بود (اشعیا ۴۲: ۴؛ ۵۰: ۴-۵؛ ۵۳: ۱۲؛ ر.ک. یوحنا ۴: ۱۳-۱۴؛ ۶: ۱۵؛ مرقس ۹: ۷-۸):

آ. زندگی خداوند، کار او، حرکت او و خدمتگزاری او بود؛ کار او، زیستن او بود، و حرکت او، وجود او بود؛ با او هیچ تفاوتی بین زندگی‌اش، کارش، حرکتش و خدمتگزاری‌اش وجود نداشت؛ خداوند عیسی خدمتگزاری خود را زیست - ر.ک. لوقا ۲۲: ۲۶-۲۷؛ یوحنا ۱۰: ۱۰؛ ۱۰: ۱؛ ۱ قرن‌تیاں ۱۵: ۴۵؛ ۱ یوحنا ۵: ۱۶؛ ۲ قرن‌تیاں ۳: ۶؛ فیلیپیان ۱: ۲۵.

ب. خداوند عیسی انسان دعا بود؛ او اغلب به کوه می‌رفت یا برای دعا به مکانی خلوت [خصوصی] می‌رفت - متی ۱۴: ۲۳؛ مرقس ۱: ۳۵؛ لوقا ۵: ۱۶؛ ۶: ۱۲؛ ۹: ۲۸.

پ. پس از معجزه غذا دادن به پنج هزار نفر، او شاگردان را مجبور کرد که او را ترک کنند تا بتواند زمان بیشتری برای دعای خصوصی به پدر داشته باشد - متی ۱۴: ۲۲-۲۳:

۱. ایستاده در جایگاه انسان (۴: ۴)، پادشاه آسمانی، به عنوان پسر محبوب پدر (۳: ۱۷)، نیاز داشت که به طور خصوصی به پدرش که در آسمان‌ها بود دعا کند، تا با پدر یک باشد و پدر را در هر کاری که بر زمین برای استقرار پادشاهی آسمان‌ها انجام می‌داد، با خود داشته باشد.
۲. او این کار را نه در آن مکان متروک، بلکه بر کوه انجام داد و همه مردم، حتی شاگردانش را ترک کرد که بتواند تنها باشد تا با پدر تماس بگیرد.

ت. از آنجا که او مرد دعا بود که با خدا یک بود، هرگز تنها نبود، زیرا پدر با او بود. هر لحظه چهره پدرش را می‌دید - یوحنا ۵: ۱۹؛ ۱۶: ۳۲؛ مزامیر ۱۶: ۷-۸؛ ر.ک ۲۷: ۸.

۴. وقتی در عشقی که خود خداست می‌مانیم، عشق «با ما کامل شده است تا در روز جزا ما را دلآوری باشد، زیرا چنانکه او هست، ما نیز در این جهان همچنین هستیم» (۱ یوحنا ۴: ۱۷)؛ مسیح به عنوان واقعیت قربانی سوختنی، در این دنیا حیات خدا را به عنوان عشق زیست، و او اکنون حیات ماست تا ما نیز بتوانیم همان حیات عشق را در این دنیا داشته باشیم و همان باشیم که او هست (۳: ۱۴؛ ۵: ۱؛ ۲: ۶):

آ. قانون روح حیات در روح ما، قانون مسیح به عنوان قانون عشق است (رومیان ۸: ۲؛ غلاطیان ۲: ۶)؛ قانون عشق باید توسط قانون روح حیات ماهیت داده شود تا بتوانیم بارهای قلبی یکدیگر را تحمل کنیم؛ ولی اگر پر از غرور باشیم، قادر به تحمل بارهای قلبی دیگران نخواهیم بود زیرا خود را با این فکر که چیزی هستیم در حالی که هیچ نیستیم (آ. ۳) فریب می‌دهیم.

ب. وقتی قانون عشق در درون ما فعال می‌شود، ما به طور خودکار و خودبخود شبانانی خواهیم بود که قلب مهربان و بخشنده پدرمان خدا و روح شبانی و جستجوگر منجی‌مان، مسیح، را دارند - یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷؛ لوقا ۱۵: ۳-۷.

پ. وقتی قانون عشق در درون ما فعال می‌شود، زحمت ما در خداوند، زحمت عشق است (۱ قرن‌تیاں ۱۵: ۵۸؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۳) که ما در آن «ضعفا را دستگیری می‌کنیم» (اعمال ۲۰: ۳۵) و «ضعفا را حمایت» می‌نماییم (۱ تسالونیکیان ۵: ۱۴)؛ «ضعفا» به کسانی اشاره دارد که یا در روح یا روان یا بدن خود، یا در ایمان ضعیف هستند (رومیان ۱۴: ۱؛ ۱۵: ۱).

ت. پس از رستاخیزش، خداوند پطرس را شبانی کرد و به او مأموریت داد تا برهه‌هایش را خوراک دهد و گوسفندان‌ش را شبانی نماید. این پیوسته شدن خدمتگزاری رسالت با خدمتگزاری آسمانی مسیح برای مراقبت از گله خدا، کلیسا، است که منجر به بناسازی بدن مسیح برای تکمیل در اورشلیم نو جهت به انجام رسیدن اقتصاد جاودان خداست - یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷.

پیام چهار
زیستن زندگی یک خدا-انسان
توسط زیستن در پادشاهی خدا
به عنوان قلمرو گونه الهی

خواندن متون مقدس: مرقس ۱: ۱۵؛ یوحنا ۳: ۳، ۵-۶؛ ۱: ۱۲-۱۳؛ ۲

پطرس ۱: ۴؛ ۱ یوحنا ۳: ۱؛ ۲: ۶

۱. از آنجا که ما از خدا متولد شده‌ایم، گونه خدا هستیم؛ یعنی ما در حیات و در طبیعت، ولی نه در خدایی، خدا هستیم - یوحنا ۳: ۳، ۵-۸.

۲. خدا-انسان‌ها حق الهی دارند که در گونه خدا شرکت کند - آ.آ. ۳، ۵-۶؛ ۱۸: ۳۶

۳. به عنوان ایمانداران به مسیح، ما زندگی یک خدا-انسان را زیست می‌کنیم - مرقس ۱: ۱۵؛ یوحنا ۱۴: ۱۷، ۲۰؛ رومیان ۸: ۸، ۹، ۱۰؛ غلاطیان ۵: ۲۵:

آ. در مسیح، خدا در انسان، انسان در خدا، و خدا و انسان با هم آمیخته شده‌اند تا یک موجودیت باشند که خدا-انسان خوانده می‌شود - متی ۱: ۲۱، ۲۳؛ لوقا ۱: ۳۵؛ تیتوس ۲: ۱۳؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۵.

ب. خدا-انسان‌ها، پسران خدا، تکثیر و ادامه مسیح، اولین خدا-انسان هستند - یوحنا ۱۲: ۲۴؛ عبرانیان ۲: ۱۰؛ رومیان ۸: ۲۹.

پ. خدا-انسان کسی است که از خدا زاده شده و در حیات و طبیعت خدا سهیم است و در حیات و طبیعت خدا با او یک می‌شود و از این طریق او را ابراز می‌نماید - یوحنا ۱: ۱۲-۱۳؛ ۳: ۱۵؛ ۲ پطرس ۱: ۴؛ ۱ قرنتیان ۶: ۱۷.

ت. خدا-انسان با خدا ساخته شده است، و خدا را به عنوان حیات، طبیعت و همه چیز خود دارد. یک خدا-انسان، انسان است اما خدا، و خدا است اما انسان - افسسیان ۳: ۱۶-۱۷.

ث. زندگی انسانی مسیح، انسان بود که خدا را زندگی می‌کرد تا صفات خدا را در فضایل انسانی ابراز کند، فضایی که پر، آمیخته و سرشار از صفات الهی بودند - لوقا ۱: ۲۶-۳۵؛ ۷: ۱۱-۱۷؛ ۱۰: ۲۵-۳۷؛ ۱۹: ۱-۱۰.

ج. به عنوان بازتولید و تکثیر اولین انسان-خدا، ما باید همان نوع زندگی را داشته باشیم که او زیست:

۱. زندگی خدا-انسان خداوند نمونه ای برای زندگی خدا-انسان ما برپا کرد - او مصلوب شد تا

خدا را زیست کند که خدا بتواند در انسانیت ابراز شود - غلاطیان ۲: ۲۰.

۲. خداوند عیسی زندگی‌ای از تلاش برای روحانی، مقدس و پیروز بودن، زیست نکرد؛ او زندگی‌ای را زیست که کاملاً مطابق و برای اقتصاد عهد جدید خدا بود.

۳. در چهار انجیل، عیسی را می‌بینیم که زندگی یک خدا-انسان را زیست می‌کند، و در اعمال، شاگردان را نیز می‌بینیم که چنین زندگی‌ای را زیست می‌کنند.

۴. مسیح زندگی‌ای پر از رنج، یک زندگی از رنج را زیست؛ اکنون ما شرکای او هستیم که همان نوع زندگی را زیست می‌کنیم؛ وقتی برای مسیح رنج می‌کشیم، رنج‌های ما توسط خدا به عنوان رنج‌های مسیح محسوب می‌شود - عبرانیان ۳: ۱۴.

۵. ما باید خود را انکار کنیم، با مرگ مسیح هم‌مشکل شویم، و او را با تأمین فراوان روحش بزرگ-نمایی کنیم - متی ۱۶: ۲۴؛ فیلیپیان ۳: ۱۰؛ ۱: ۱۹-۲۱.

۶. آن که زندگی یک انسان-خدا را زیست کرد، اکنون روح است که در ما و از طریق ما زندگی می‌کند؛ ما باید خودسازی و بناسازی انسان طبیعی خود را رد کنیم و به هیچ چیز دیگری جز

او اجازه ندهیم که ما را پر و اشغال کند تا بتوانیم او را به طور شخصی و جمعی در کلیسا، که بدن اوست، زندگی و ابراز کنیم - افسسیان ۳: ۱۶-۱۹؛ ۱: ۲۲-۲۳.

۴. به عنوان ایمانداران به مسیح، ما در پادشاهی خدا زندگی می‌کنیم - رومیان ۱۴: ۱۷:

- آ. پادشاهی خدا، خود خداست - مرقس ۱: ۱۵؛ متی ۶: ۳۳.
- ب. پادشاهی خدا، خدا در مسیح است که تمامیت حیات الهی با تمام فعالیت‌هایش است - یوحنا ۱۱: ۲۵؛ ۱۰: ۱۰؛ ۱۰: ۱۰؛ ۱۴: ۶.
- پ. پادشاهی خدا، قلمرو حیات الهی است تا این حیات حرکت کند، کار کند، حکم براند و فرمانروایی کند تا حیات بتواند مقصودش را به انجام برساند.
- ت. پادشاهی خدا ارگانیک است که با حیات خدا به عنوان قلمرو حیات برای حکمرانی او تشکیل شده است، که در آن او با حیات خود سلطنت می‌کند و خود را به عنوان تثلیث الهی در حیات الهی ابراز می‌کند - ۱: ۱۵، ۸-۱، ۱۶، ۲۶.
- ث. پادشاهی خدا، قلمرویی است، نه تنها از سلطه الهی، بلکه از گونه الهی، که در آن همه چیزهای الهی وجود دارد - ۳: ۳، ۵-۶؛ ۱۸: ۳۶:
۱. در یوحنا ۳، پادشاهی خدا بیشتر به گونه خدا اشاره دارد تا به سلطنت خدا.
 ۲. خدا انسان شد تا وارد گونه انسان شود، و انسان در حیات و طبیعت، ولی نه در خدایی، خدا می‌شود تا وارد قلمرو گونه الهی شود - ۱: ۱، ۱۲-۱۴؛ رومیان ۸: ۳؛ ۱: ۳-۴.
 ۳. برای ورود به قلمرو گونه الهی، باید از خدا متولد شویم تا حیات الهی و طبیعت الهی داشته باشیم - یوحنا ۱: ۱۲-۱۳؛ ۳: ۳، ۵-۶، ۱۵؛ ۲ پطرس ۱: ۴:
- (آ) خدا انسان را نه مطابق نوع انسان، بلکه به صورت خود و به شباهت خود آفرید تا از نوع خدا، گونه خدا باشد - پیدایش ۱: ۲۶.
- (ب) ایمانداران، که از طریق تولد تازه از خدا متولد می‌شوند تا فرزندان او در حیات و طبیعت، ولی نه در خدایی او، باشند، بیشتر از آدم از نوع خدا هستند - یوحنا ۱: ۱۲-۱۳:
۱. آدم فقط ظاهر بیرونی داشت بدون واقعیت درونی حیات الهی.
 ۲. ما، ایمانداران به مسیح و فرزندان خدا، واقعیت حیات الهی را داریم و در تمام وجودمان در حال تبدیل و همشکل شدن به صورت خداوند هستیم - ۲ قرنطیان ۳: ۱۸؛ رومیان ۱۲: ۲؛ ۸: ۲۹.
 ۳. تولد دوم ما، یعنی تولد تازه، باعث شد که ما وارد پادشاهی خدا شویم تا به گونه خدا تبدیل گردیم - یوحنا ۳: ۳، ۵-۶.
 ۴. ما تولد تازه یافتیم تا نوع خدا باشیم. به عنوان فرزندان خدا، ما نوع خدا، گونه خدا هستیم - رومیان ۸: ۱۹؛ عبرانیان ۲: ۱۰.
 ۵. همه فرزندان خدا، در قلمرو الهی گونه الهی هستند - یوحنا ۱: ۱۲-۱۳؛ ۳: ۳، ۵.
 ۶. ایمانداران، در گونه الهی، یعنی در پادشاهی خدا، خدا-انسان‌ها هستند - ۱ یوحنا ۳: ۱؛ آ: ۵.
- ج. ما در پادشاهی خدا به عنوان قلمرو حیات الهی، توسط حس حیات زندگی می‌کنیم - رومیان ۸: ۶.
- چ. در کلیسا، ما امروز در پادشاهی خدا زندگی می‌کنیم؛ رومیان ۱۴: ۱۷ اثبات محکمی است که زندگی کلیسای امروز، پادشاهی است.
- ح. وقتی آن بخش از وجودمان را که خلقت نو است - خود مسیح به عنوان عنصر پادشاهی خدا - تمرین می‌دهیم، در پادشاهی خدا زندگی می‌کنیم.

خ. غلبه کنندگان، پادشاهی مسیح و خدا را به ارث خواهند برد تا بتوانند وارد اظهار پادشاهی آسمان‌ها شوند - ۲ تیموتائوس ۴: ۱۸.

۵. در انجیل یوحنا، جوانب بسیاری از زندگی ایمانداران در قلمرو گونه الهی را می‌بینیم - ۱: ۱۶؛ ۱۵: ۱۴، ۹، ۱۱؛ ۴: ۲۳-۲۴؛ ۲: ۲۰، ۲۳؛ ۱۷: ۲۲-۲۴:

- آ. «از پری او جمیع ما بهره یافتیم و فیض به عوض فیض» - ۱: ۱۶.
- ب. «آبی که به او می‌دهم در او چشمه آبی گردد که تا حیات جاودانی می‌جوشد» - ۴: ۱۴ ب.
- پ. «کسی که مرا بخورد او نیز به من زنده می‌شود» - ۶: ۵۷ ب.
- ت. «اگر کسی مرا خدمت کند، مرا پیروی بکند و جایی که من می‌باشم، آنجا خادم من نیز خواهد بود. و هر که مرا خدمت کند، پدر او را حرمت خواهد داشت.» - ۱۲: ۲۶.
- ث. «در خانه پدر من منزل بسیار است... می‌روم تا برای شما مکانی حاضر کنم» - ۱۴: ۲.
- ج. «در آن روز شما خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من و من در شما» - آ. ۲۰.
- چ. «اگر کسی مرا محبت نماید، کلام مرا نگاه خواهد داشت و پدرم او را محبت خواهد نمود و به سوی او آمده، نزد وی مسکن خواهیم گرفت» - آ. ۲۳.
- ح. «در من بمانید و من در شما» - ۱۵: ۴ آ.
- خ. «اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، آنچه خواهید بطلبید که برای شما خواهد شد» - آ. ۷.
- د. «همچنانکه که پدر مرا محبت نمود، من نیز شما را محبت نمودم؛ در محبت من بمانید» - آ. ۹.
- ذ. «این را به شما گفتم تا خوشی من در شما باشد و شادی شما کامل شود» - آ. ۱۱.
- ر. «بدین چیزها به شما تکلم کردم تا در من سلامتی داشته باشید؛ «سلامتی خود را به شما می‌دهم» - ۱۶: ۳۳؛ ۱۴: ۲۷ ب.
- ژ. «ای پدر قدوس اینها را که به من داده‌ای، به اسم خود نگاه دار تا یکی باشند، چنانکه ما هستیم» - ۱۷: ۱۱ ب.
- س. «جلالی را که به من دادی، به ایشان دادم تا یک باشند چنانکه ما یک هستیم» - آ. ۲۲.
- ش. «من در ایشان و تو در من، تا در یکی کامل گردند» - آ. ۲۳ آ.
- ص. «ای پدر می‌خواهم آنانی که به من داده‌ای با من باشند در جایی که من می‌باشم تا جلال مرا که به من داده‌ای ببینند.» - آ. ۲۴ آ.

پیام پنج

خدمتگزاری رسالتی در همکاری با خدمتگزاری آسمانی مسیح برای شبانی کلیسای خدا به عنوان گله او برای بناسازی بدن مسیح و احیای جدید

خواندن متون مقدس: یوحنا ۱۰: ۱۱، ۱۶؛ ۲۱: ۱۵-۱۷؛

۱ پطرس ۲: ۲۵؛ ۵: ۴؛ عبرانیان ۱۳: ۲۰؛ مکاشفه ۱: ۱۳؛ ۲: ۱، ۷

۱. مزامیر ۲۲ تا ۲۴ مجموعه‌ای از مزامیر هستند که مسیح را از مصلوب شدنش تا شبانی او تا پادشاهی او در عصر آینده آشکار می‌کنند:

آ. مزبور ۲۳ که به مسیح به عنوان شبان در رستاخیز و صعودش می‌پردازد، پلی است بین مرگ بازخیزنده مسیح و رستاخیز کلیسای او در مزبور ۲۲ و بازگشت مسیح به عنوان پادشاه، که تمام زمین را از طریق کلیسا به عنوان بدن خود در مزبور ۲۴ دوباره به دست خواهد آورد.
ب. مسیح در خدمتگزاری آسمانی خود، مردم را شبانی می‌کند و ما باید با شبانی مردم، با او همکاری کنیم. اگر این مشارکت توسط ما پذیرفته شود، احیای بزرگی بر زمین برای بازگرداندن خداوند رخ خواهد داد.

۲. یوحنا ۲۱ خدمتگزاری رسالتی را در همکاری با خدمتگزاری آسمانی مسیح آشکار می‌کند. این کمال و تکمیل انجیل یوحنا است:

آ. انجیل یوحنا بیست و یک فصل دارد، ولی در واقع با فصل ۲۰ به پایان می‌رسد.
ب. کل کتاب، خدمتگزاری زمینی مسیح را پوشش می‌دهد، که از مجسم شدن او به عنوان کلام خدا برای تبدیل شدن به یک انسان در جسم (۱: ۱۴) آغاز می‌شود و با رستاخیز او به عنوان آدم آخر جهت تبدیل شدن به روح حیات بخش (۲۰: ۲۲) پایان می‌یابد؛ از این رو، فصل ۲۱ باید یک ضمیمه باشد.

پ. اگرچه گفتن این حرف درست است، اما گفتن اینکه یوحنا ۲۱ کمال و تکمیل انجیل یوحنا می‌باشد، نهادی‌تر است. این فصل با نشان دادن اینکه خدمتگزاری آسمانی مسیح و خدمتگزاری رسولان بر روی زمین برای انجام اقتصاد الهی با هم همکاری می‌کنند، کل انجیل یوحنا را تکمیل می‌کند.

۳. در یوحنا ۱۰: ۱۱-۱۰ و ۱۶، خداوند به شاگردان آشکار کرد که او شبان خوبی است که آمد تا گوسفندان حیات فراوان داشته باشند و اینکه او گوسفندان دیگری (غیریهودیان) داشت که باید آنها را هدایت کند تا به آنها (ایمانداران یهودی) بپیوندند تا یک گله (یک کلیسا) تحت یک شبان باشند:

آ. شبانی خداوند در خدمتگزاری زمینی او اول بود - متی ۹: ۳۶؛ ر.ک. ۱۰: ۱-۶.
ب. شبانی خداوند در خدمتگزاری آسمانی او (۱ پطرس ۵: ۴) جهت مراقبت از کلیسای خدا، که حاصل بدن اوست، دوم است.

۴. خداوند به پطرس مأموریت داد تا بره‌هایش را خوراک دهد و گوسفندانش را شبانی نماید:

آ. وقتی خداوند پس از رستاخیز و قبل از صعودش با شاگردانش ماند، در یکی از ظهورهایش، به پطرس مأموریت داد تا در غیابش بره‌هایش را خوراک دهد، در حالی که او در آسمان‌ها است، گوسفندانش را شبانی کند - یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷.

ب. این برای پیوسته شدن خدمتگزاری رسالتی با خدمتگزاری آسمانی مسیح برای مراقبت از گله است که کلیسا، حاصل بدن مسیح، است.

پ. بعدها، در کتاب اعمال، پطرس گفت: «ما خود را به عبادت و خدمت کلام خواهیم سپرد» (۶: ۴)؛ این برای همکاری با خدمتگزاری آسمانی مسیح در شفاعت (عبرانیان ۷: ۲۵) و بخش کردن خدا در مردمش (۸: ۲) است.

ت. پطرس چنان تحت تأثیر این مأموریت خداوند بود که در کتاب اول خود به ایمانداران می‌گوید که «از آن رو که مانند گوسفندان گمشده بودید، لکن الحال به سوی شبان و اسقف جانهای خود برگشته اید». - ۱ پطرس ۲: ۲۵:

۱. مسیح در درونمان ساکن است تا حیات و همه چیز ما باشد، ولی او همچنین موقعیت و وضعیت وجود درونی ما را نظارت و مراقبت می‌کند.

۲. او با مراقبت از رفاه وجود درونی ما و با اعمال نظارت خود بر وضع روان ما، شخص واقعی ما، ما را شبانی می‌کند - ر.ک. عبرانیان ۱۳: ۱۷.

ث. پطرس ارشدان را نصیحت می‌کند که گله خدا را در میان خود شبانی کنند تا وقتی رئیس شبانان ظاهر شود، آنها، ارشدان امین، تاج ناپژمرده جلال را بیابید - ۱ پطرس ۵: ۱-۴.

ج. کلام پطرس نشان می‌دهد که خدمتگزاری آسمانی مسیح عمدتاً شبانی کلیسای خدا به عنوان گله اوست که حاصل بدن اوست.

۵. سخنان زیر از پولس رسول نیز نشان دهنده پیوسته شدن خدمتگزاری رسالتی با خدمتگزاری آسمانی مسیح برای مراقبت از گله خداست:

آ. در اعمال ۲۰: ۲۸، پولس به ارشدان در افسس گفت: «پس نگاه دارید خویشتن و تمامی آن گله را که روح القدس شما را بر آن اسقف مقرر فرمود تا کلیسای خدا را رعایت کنید که آن را به خون خود خریده است.»

ب. پولس گفت: «زیرا من می‌دانم که بعد از رحلت من، گرگان درنده به میان شما درخواهند آمد که بر گله ترحم نخواهند نمود» (آ. ۲۹). آن رسول به جان خود اهمیت نمی‌داد (آ. ۲۴)، ولی بسیار نگران آینده کلیسا بود، که برای او و خدا یک گنج بود.

پ. پولس در عبرانیان ۱۳: ۲۰ می‌گوید: «خدا... شبان اعظم گوسفندان یعنی خداوند ما عیسی را به خون عهد ابدی از مردگان برخیزانید»:

۱. عهد جاودان، عهد عهد جدید برای به دست آوردن گله است، که همان کلیسای است که حاصل بدن بوده و اورشلیم نو را به کمال می‌رساند. عهد جاودان خدا، تکمیل اورشلیم نو توسط شبانی است.

۲. خدا خداوند ما را از مردگان برخیزانید که شبان اعظم باشد تا اورشلیم نو را طبق عهد جاودان خدا تکمیل کند.

۶. مقصود اصلی و هدف خدمتگزاری رسالتی که با خدمتگزاری آسمانی مسیح پیوسته شده است، بناسازی بدن مسیح است، که اورشلیم نو را برای به انجام رساندن اقتصاد جاودان خدا تکمیل می‌کند - ر.ک. افسسیان ۳: ۲، ۸-۹؛ ۱ پطرس ۵: ۱۰.

۷. مورد شبانی گله خدا برای مقصود اصلی و تکمیل نهایی اقتصاد جاودان خدا حتی در غزل‌ها نیز مورد اشاره قرار گرفته است:

آ. «ای حبیب جان من، مرا خبر ده که کجا می‌چرانی؟ / و در وقت ظهر گله را کجا می‌خوابانی؟» - ۱: ۱۷.آ.

ب. «در اثر گله‌ها بیرون رو، / و بزغاله‌های را / نزد مسکن‌های شبانان بچران» - آ. ۸.ب.

پ. «محبوبم از آن من است و من از آن وی هستم؛ / در میان سوسن‌ها [جویندگان مسیح که زندگی‌ای سرشار از اعتماد به خدا با قلبی واحد دارند] می‌چراند» - ۲: ۱۶.

ت. «من از آن محبوب خود و محبوبم از آن من است؛ / در میان سوسن‌ها گله را می‌چراند» - ۶: ۳.

۸. شبانی ایمانداران برای رشد آنها در حیات بسیار مهم است؛ ما باید راه شبانی را برای بشارت انجیل و احیای کلیسا در پیش بگیریم:

آ. ما باید دعا کنیم، «خداوندا، من می‌خواهم احیا شوم؛ از امروز می‌خواهم یک شبان باشم؛ می‌خواهم بروم تا به مردم غذا بدهم، مردم را شبانی کنم، و مردم را با هم جمع [گله] کنم»

ب. در یوحنا ۱۰ و ۲۱، خداوند از سه کلمه در مورد شبانی استفاده کرد: «خوراک» دادن، «شبان» و «گله» (۱۰: ۱۶؛ ۲۱: ۱۵-۱۶)؛ ما همچنین می‌توانیم از کلمه «گله» به عنوان فعل استفاده کنیم.
پ. همه کلیساها باید یاد بگیرند که چگونه با هم جمع شوند تا بتوانند با هم ممزوج شوند؛ ارشادان و همکاران باید رهبری این کار را بر عهده بگیرند.

۹. نگهداری ارگانیک چراغدان طلائی، خدمتگزاری آسمانی مسیح برای گرمی داشتن کلیساها در انسانیت خود و تغذیه کلیساها در الهیت خود است تا از طریق شبانی ارگانیک خود، غلبه کنندگان را تولید کند - مکاشفه ۱: ۱۳؛ ۲: ۷؛ یوحنا ۱۰: ۱۱، ۱۴؛ ۱ پطرس ۲: ۲۵؛ ۵: ۴؛ عبرانیان ۱۳: ۲۰: ۲۰. آ. پسر انسان، در انسانیت خود است، کمربند طلائی نشانگر الهیت اوست و سینه‌ها نشانه عشق هستند:

۱. مسیح بر کمربسته شده بود و برای کار الهی تقویت شده بود (خروج ۲۸: ۴؛ دانیال ۱۰: ۵) تا کلیساها را تولید کند، ولی اکنون او بر سینه‌ها بسته شده است و از کلیساهایی که با عشق خود تولید کرده است، مراقبت می‌کند (مکاشفه ۱: ۱۳).

۲. کمربند طلائی نشانگر الهیت مسیح به عنوان انرژی الهی اوست، و سینه‌ها نشان می‌دهند که این انرژی طلائی توسط و با عشق او برای تغذیه کلیساها اعمال و انگیزه داده می‌شود.

ب. مسیح در انسانیتش به عنوان پسر انسان از کلیساها مراقبت می‌کند تا آنها را گرمی بخشد - آ. ۱۳: آ. ۱. او چراغهای چراغدانها را می‌آراید تا آنها را شایسته سازد، و ما را گرمی می‌دارد تا خوشحال، خوشایند و راحت باشیم - خروج ۳۰: ۷؛ ر. ک. مزامیر ۴۲: ۵، ۱۱:

(آ) حضور خداوند فضایی از لطافت و گرما را برای گرمی داشتن وجود ما فراهم می‌کند و به ما استراحت، تسلی، شفا، پاکي، و تشویق می‌بخشد.

(ب) ما می‌توانیم از فضای گرمی‌دارنده حضور خداوند در کلیسا مسرت بپریم تا تامین تغذیه‌کننده حیات را دریافت کنیم - افسسیان ۵: ۲۹؛ ر. ک. ۱ تیموتائوس ۴: ۶؛ افسسیان ۴: ۱۱.

۲. او فتیله‌های چراغهای چراغدان را کوتاه کرده، تمام چیزهای منفی را که درخشش ما را مختل می‌کنند، قطع می‌کند - خروج ۲۵: ۳۸:

(آ) قسمت سوخته فتیله، یعنی نوک فتیله، نشانگر چیزهایی است که طبق مقصود خدا نیستند و باید قطع شوند، مانند جسم ما، انسان طبیعی ما، خود ما و خلقت کهنه ما.
(ب) او تمام تفاوت‌های بین کلیساها (خطایا، کمبودها، شکست‌ها و نقص‌ها) را از بین می‌برد تا آنها در ذات، ظاهر و ابراز یکسان باشند - ر. ک. ۱ قرنتیان ۱: ۱۰؛ ۲ قرنتیان ۱۲: ۱۸؛ فیلیپیان ۲: ۲.

پ. مسیح با عشق الهی خود، که با کمربند طلائی بر سینه‌هایش نشان داده شده است، از کلیساها در الهیت خود مراقبت می‌کند تا کلیساها را تغذیه کند - مکاشفه ۱: ۱۳:

۱. او ما را با خودش به عنوان مسیح شامل تمام در خدمتگزاری کامل سه مرحله‌ای خود، با خود تغذیه می‌کند تا در حیات الهی رشد کنیم و بالغ شویم که بتوانیم غلبه کنندگان او باشیم تا اقتصاد جاودان او را به انجام برسانیم.

۲. او به عنوان مسیح در حال حرکت، وضع هر کلیسا را می‌شناسد، و به عنوان روح سخنگو، چراغدانها را می‌آراید و با روغن تازه، (یعنی) تامین روح، پر می‌کند - ۲: ۱، ۷؛ ر. ک. خروج ۲۷: ۲۱-۲۰؛ زکریا ۴: ۶، ۱۱-۱۴.

۳. برای شرکت در حرکت او و مسرت از مراقبت او، باید در کلیساها باشیم.

۱۰. از طریق شبانی شگفت‌انگیز مسیح، ما از او به عنوان برکت‌های خود، هم امروز و هم برای ابدیت، مسرت خواهیم برد - اشعیا ۴۹: ۱۰؛ مکاشفه ۷: ۹-۱۷؛ یوحنا ۶: ۳۵؛ ۴: ۱۳-۱۴؛ مزامیر ۳۶: ۷-۹؛ ۹۱: ۱؛ اشعیا ۱۲: ۱-۶؛ مکاشفه ۲۲: ۱.

پیام شش

شبانی بر طبق خدا

خواندن متون مقدس: یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷؛ اعمال ۲۰: ۲۸؛ ۱ پطرس ۵: ۲، ۴؛ افسسیان ۴: ۱۲-۱۶

۱. در بازیابی خداوند امروز، نیاز مبرمی به شبانی وجود دارد.
۲. شبانی، مراقبت دلسوزانه و شامل تمام از گله است - یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷؛ اعمال ۲۰: ۲۸:
آ. شبانی به مراقبت از تمام نیازهای گوسفندان اشاره دارد.
ب. همه گوسفندان باید به خوبی تأمین و از آنها به خوبی مراقبت شود.
۳. مسیح، شبان نیکو، شبان اعظم، رئیس شبانان و شبان جان [روان] ماست - یوحنا ۱۰: ۱-۹؛ عبرانیان ۱۳: ۲۰-۲۱؛ ۱ پطرس ۵: ۴؛ ۲: ۲۵:
آ. خداوند عیسی به عنوان شبان نیکو آمد تا ما حیات داشته باشیم و آن را به فراوانی داشته باشیم - یوحنا ۱۰: ۱۰-۱۱:
۱. او حیات روان خود، حیات انسانی خود را فدا کرد تا برای گوسفندانش بازخرد را به انجام رساند تا آنها شریک حیات الهی او باشند - یوحنا ۱۰: ۱۱، ۱۵، ۱۷.
۲. او گوسفندانش را از آغل به درون خود به عنوان چراگاه، محل تغذیه، رهبری می کند، جایی که آنها می توانند آزادانه از او بخورند و توسط او تغذیه شوند - آ. ۹.
۳. خداوند ایمانداران یهودی و غیر یهودی را تحت شبانی خود در یک گله (کلیسا، بدن مسیح) شکل داده است - یوحنا آ. ۱۶.
ب. خدا «شبان اعظم گوسفندان یعنی خداوند ما عیسی را به خون عهد جاودان از مردگان برخیزانید» - عبرانیان ۱۳: ۲۰:
۱. عهد جاودان، تکمیل اورشلیم نو توسط شبانی است.
۲. عهد جاودان، عهد جدید برای به دست آوردن گله است، یعنی کلیسا که به بدن مسیح منجر شده و در اورشلیم نو تکمیل می شود.
پ. مسیح به عنوان رئیس شبانان، گله خود را از طریق ارشدان کلیساها شبانی می کند - ۱ پطرس ۵: ۴:
۱. بدون شبانی ارشدان، کلیسا نمی تواند بناسازی شود.
۲. شبانی ارشدان باید شبانی مسیح از طریق آنها باشد.
ت. به عنوان شبان روان ما، مسیح پنوماتیک بر وضع درونی ما نظارت داشته، از وضعیت وجود درونی ما مراقبت می کند - ۲: ۲۵.
۱. او با مراقبت از رفاه روان ما و با اعمال نظارت خود بر وضع وجود درونی ما، ما را شبانی می کند.
۲. از آنجا که روان ما بسیار پیچیده است، به مسیح، که روح حیات بخش در روح ماست، نیاز داریم تا ما را در روحمان شبانی کرده، از ذهن، احساس و اراده ما و از مشکلات، نیازها و زخم های ما مراقبت کند.
۴. برای شبانی بر طبق خدا، ما باید با خدا یک شویم، با خدا ساخته شویم، خدا را زیست کنیم، خدا را ابراز کنیم، نماینده خدا باشیم و خدا را خدمتگزاری کنیم:
آ. شبانی بر طبق خدا مستلزم یک بودن با خدا و ساخته شدن با اوست - یوحنا ۱۴: ۲۰؛ ۱ قرنتیان ۱۷: ۳؛ افسسیان ۳: ۱۷؛ کولسیان ۳: ۱۰-۱۱.
ب. فقط کسانی که به خدا زندگی می کنند می توانند بر طبق خدا شبانی کنند - فیلیپیان ۱: ۲۱.

پ. مقصود جاودان خدا، نهادن خود به عنوان حیات ما در ما است تا او را ابراز کنیم - پیدایش ۱: ۲۶؛ افسسیان ۱: ۱۱؛ ۳: ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۹.

ت. به عنوان کسانی که بر طبق خدا شبانی می کنند، ما باید نماینده خدا باشیم و به عنوان خدای عمل کننده عمل کنیم - ۲ قرنتیان ۱: ۳-۴، ۱۲، ۱۵-۱۶؛ ۲: ۱۰؛ ۱۰: ۱۱؛ ۱۱: ۲.

ث. شبانی بر طبق خدا، بخش کردن خدا به دیگران است:

۱. اینکه چقدر بتوانیم خدا را به دیگران بخش کنیم، بستگی به شکسته شدن ما توسط خدا برای بیرون ریزش حیات دارد - ۲ قرنتیان ۴: ۱۰-۱۲، ۱۶؛ عبرانیان ۴: ۱۲.

۲. اگر می خواهیم خدا را به یکدیگر بخش کنیم، باید کلمات فیض، حقیقت، روح و حیات گفته، خدای فرآیندشده که در وجود ما نهاده شده است را خدمت کنیم - افسسیان ۳: ۱۶-۱۷؛ ۴: ۲۵، ۲۹؛ یوحنا ۶: ۶۳.

۵. پطرس ارشدان را بر آن داشت که گله خدا را بر طبق خدا شبانی کنند - ۱ پطرس ۵: ۲:

آ. بر طبق خدا یعنی ما باید خدا را زیست کنیم.

ب. وقتی با خدا یک هستیم، خدا می شویم و در شبانی دیگران، خدا هستیم.

پ. شبانی کردن بر طبق خدا، شبانی کردن بر طبق طبیعت، میل، راه و جلال خداست، نه بر طبق ترجیح، علاقه، مقصود و خلق و خوی ما.

ت. شبانی کردن بر طبق خدا، شبانی کردن بر طبق آنچه خدا در صفات خود است، می باشد.

ث. برای شبانی کردن بر طبق خدا، باید در حیات، طبیعت، ابراز و عملکردمان، به خدا تبدیل شویم:

۱. ما باید تا لبه از حیات الهی پر شده، از خدای سه یکتا به عنوان سرچشمه، چشمه و نهر مسرت ببریم تا تمامیت حیات الهی شویم، حتی خود حیات الهی شویم - یوحنا ۴: ۱۴؛ کولسیان ۳: ۴.

۲. ما باید در صفات عشق، نور، عدالت و قدوسیت او [خدا] به خدا تبدیل شویم.

۳. ما باید بازتولید مسیح، ابراز خدا باشیم، تا در شبانی خود، خدا و نه خود را با خلق و خو و ویژگی هایش ابراز کنیم.

۴. ما باید در عملکرد شبانی گله خدا، طبق آنچه او هست و طبق هدف او در اقتصادش، به خدا تبدیل شویم.

۶. شبانی ای که بدن مسیح را بنا سازی می کند، یک شبانی متقابل است - ۱ قرنتیان ۱۲: ۲۳-۲۶:

آ. ما همه باید تحت شبانی ارگانیک مسیح بوده و با او یک باشیم تا دیگران را شبانی کنیم - یوحنا ۱۷-۱۵: ۲۱.

ب. همه ایمانداران، صرف نظر از رشدشان در حیات، به شبانی نیاز دارند.

پ. ما همه نقص ها و کمبودهایی داریم و به دیگران نیاز داریم تا ما را شبانی کنند.

ت. ما هم گوسفندان هستیم و هم شبانان، به طور متقابل شبانی می کنیم و شبانی می شویم.

ث. بدن از طریق این شبانی متقابل، خود را در عشق بنا می کند - افسسیان ۴: ۱۶.